

هنر ایران و تأثیر آن در هنر جهان

ژاله - خادم

هنر وسیله ای برای ایجاد ارتباط معنوی بین انسانها و تعالی روح آنان است . بفرموده حضرت بهاءالله جل زکرة در امر بهائی " از علوم و فنون آنچه سبب منفعت و ترقی و ارتفاع مقام انسان است . " (۱) تجلیل شده است . هنرمندان بعنوان شریف ترین نمودار افکار و احساسات بشریت در امر مبارک مقامی بس والا بعنوان اعظم مربی دارند . تنها در این نوره است که شارح و مبین مقدس آن بکرات از هنر در مظاهر گوناگونش تجلیل و تحسین نموده اند . همینطور که در این چند مضمون از بیانات حضرت عبدالجباء مشهود است : "طبیعی است که دل و جان از هرچه نمایانگر هم آهنگی و کمال است لذت می برد . مثلاً خانه ای زیبا ، گلزاری با طرح جالب ، حرکتی دلپذیر ، کتابی با نثر موزون ، جامه ای خوش آیند . در حقیقت هر آنچه حامل لطف و زیبایی است مطبوع دل و جان است . " (۲)

" هنر موهبت الهی است . هنگامیکه این موهبت به هنر موسیقیدان پرتو افکند در آهنگ های روح افزای او جلوه می کند . زمانی که فکر شاعری را روشنی بخشد در اشعار زیبا متجلی میگردد . وقتی که شعاع شمس حقیقت فکر نقاشی را منور کند اثرش تابلوهای شگفت انگیز است . این موهبت الهی یعنی هنر هنگامی مقصد عالی خودش را تحقق می بخشد که به تجلیل خداوند بی مانند بپردازد . " (۳)

اکثر ایرانیان بخاطر عشق به شعر و عرفان توجه به تاثیر ادبیات ایران در ادبیات جهان دارند . ادبیاتی با چنان عمقی که بطور مثال حافظ از ماوراء زمان و مکان بر گوته چنان تاثیری می گذارد که سبک و حالت شعرش دگرگون می گردد . اما هنر و معماری ایران تاثیرش در جهان حتی بیشتر از ادبیات فارسی بوده . هنرهائی که زانگاه جمال مبارک به دنیا عرضه داشته بسط و توسعه آنها از هنرهای مصر و چین و هند و یونان و روم فراتر است و حد و مرزش از اقیانوس آرام تا اقیانوس اطلس (چین و ژاپون ، هنر کلتیک ایرلند و نوره اسلامی اسپانیا) و از جنوب از هندوستان تا شمال نژیک سیبری بوده . تاثیر آن تنها در يك زمان نبوده بلکه طی شش هزارسال تار و پود مانند در بافته هنرهای جهان اثرش دیده می شود و پایه ایست که بر اساس آن اولین نمونه آثار بودایی ، هنرهای اولیه مسیحی و البته هنرهای اسلامی استوارند . از آنجا که بحث راجع به تمام این مطالب در مقاله ای (۴) کوتاه دشوار است به خلاصه ای از اصول آن اکتفا میکنیم .

اگر چه نمونه هائی از نقاشی نوره نئولتیک (۱۵- ۲۰ هزارسال قبل) در غارهای آلتامیرا اسپانیا و لاسکو فرانسه وجود دارند ولی شروع و ادامه هنر بطرز سیستماتیک و اصولاً پیدایش معماری را باید در ایران جستجو نمود . و اما این آغاز چرا در ایران بود؟ در حدود ده هزار سال پیش در غرب این سرزمین در دامنه کوههای زاگرس انقلاب کشاورزی بوقوع پیوست که باعث دگرگونی زندگی بشر و مستقر شدنش در يك مکان گردید . کم کم دهات ، شهرها و کشورها بوجود آمدند و آنچه تمدن می نامیم آغاز شد . هم زمان با

کشاورزی صنایع مربوط به آن مانندسبب بافی و سفالگری ایجاد شد وهمچنین اولین بناهای بشر، خانه های حفاری شده در سیکل جزء این گروه هستند (۶۰۰۰ - ۸۰۰۰ سال پیش) .

در نقوش سفال های اولیه هنرمند اغلب سعی میکند حالت نظم و ترتیب و قانون به دنیای پر هرج و مرج بدهد و یا طلب برکت از خدایان نماید. نقوش ماه و آب و حیوانات شاخدار مانند گوزن ، بزکوهی و گاو تکرار میشود. این فرمها سمبول برکت هستند. گاهی شیر به این حیوانات حمله میکند و چکیدن خونشان زمین را حاصل خیز می کند. این شروعی است برای مراسم قربانی حیوانات در ادیان بعدی . در يك سفال ۵۰۰۰ قبل مربوط به شوش سه سوژه اصلی کوه و آب و سبزه بصورت سه کوه انتزاعی و نیزار در میانشان دیده می شود. کوه فرم مهمی است که در معماری نیز به آن اشاره می شود. مثلاً زیگورات چغازنبیل (دوره الام) و مقبره کوروش کبیر هر دو اقتباسی هستند از فرم کوه مقدس . کوه نمایانگر ورود از دنیای جسمانی به دنیای روحانی است و در ادیان دوران بعد مظهر مقدس دوره ظهور خواهد بود. مانند کوههای سینا و زیتون و فاران و کرمل .

خصوصیات اصلی معماری ایرانی عبارتند از:

- ۱- اهمیت باغ و فضای سبزی که با آب توأم است .
- ۲- توازن بین ماده و خلاء ، ساختمان و فضای باز.
- ۳- ابداعاتی مانند مقرنس کاری ، آجر کاری و طاق و قوس های مختلف .
- ۴- و مهمترین اصل ، اهمیت بسزای نور در معماری که رابط مستقیم با ادیان و فلسفه های آن سرزمین از میترائیسم تا افکار سهروردی دارد و انعکاس آن در نقشه ، نما، رنگ و تزئینات .

۱- در معماری ایرانی از ابتدا بنا و فضای سبز بصورت باغ و حیاط با هم توأم بوده اند، مورخ یونانی همزمان با کوروش باغ او را فضائی پر از گل و گیاه و درختان میوه با جویبارهای روان و احاطه شده با چهار دیوار توصیف می نماید و در این مورد واژه پارسی پرادیس یا بهشت را بکار می برد که باین ترتیب وارد یونانی و سپس لاتین و سایر زبانهای اروپائی می شدند. باغ ایرانی کاملاً با باغ دین ژاپونی یا باغهای انگلیسی که بدون مرز با طبیعت توأم می شوند، یا باغهای پر ابهت رنسانس فرانسه مانند ورسای با افقی وسیع ، تفاوت دارد. در اینجا فضا کوچکتر و حالت در خود گیرنده تر است و جوی که ایجاد میکند شاعرانه و درون گراست . نمونه و الگوی این نوع باغ را در باغ فین کاشان ، حیاط جهانگیر در قلعه اکبر و باغهای خزالیفه و الحمراء در اسپانیا میشود ملاحظه کرد. در این فضاها آب بعنوان جزء بسیارمهم بصورت آبشار و حوضچه و استخر و فواره و جویبار بناها و باغها را بهم مرتبط می سازد. الحمراء ته تنها طرح حیاط هایش ایرانی است بلکه حتی حوضچه معروف شیرانش اقتباسی است از قرح های هخامنشی که برای معطر کردن هوا با گلاب پر می کردند. تم سمبولیک بهشت در قرآن در حقیقت یادآوری است از باغ ایرانی که در قرون وسطی یکی از سمبول های مهم حضرت مریم را تشکیل میدهد .

۲- توازن بین ماده و خلاء از زمان هخامنشی در معماری ایرانی وجود داشته . در نقشه تخت جمشید در واقع حیاط های داخلی بیشتر مرکز توجه اند تا خود بناها . این نوع ترکیب بعداً در دوره ساسانی تکمیل می شود. نمونه های ساسانی با حیاط چهار ضلعی داخلی و دو یا چهار ایوان و طاق و قوس الگوی اصلی مساجد اسلامی از دوره عباسی (۵) به بعد را تشکیل میدهد و در دوره صفوی در مسجد شاه اصفهان و

در سطح گسترده تر در میدان شاه اصفهان به اوج کمال می رسد. در دوره عباسی پایتخت از دمشق به سامره و سپس به بغداد در نزدیکی بیستون پایتخت قدیمی ساسانی منتقل می شود. از این پس هنر و معماری ایرانی پایه و اصول کل هنرهای اسلامی را تشکیل می دهد. اکثر اوقات معماران بناهای خارج از ایران هم مانند معماران تاج محل استاد حمید و استاد احمد اصفهانی ایرانی بودند. در زمینه های نقاشی ، خطاطی ، کاشی کاری ، سفال ، فلز کاری ، قالی بافی نیز سبک های ایرانی از مراکزى مانند شیراز ، اصفهان ، هرات ، تبریز ، خراسان ، ری ، سلطان آباد ، کاشان به گوشه و کنار امپراطوری اسلامی به ارمغان برده شد.

۳- در تاریخ معماری طرحها و ابداعات آجرکاری ایران بدون رقیب است . شاید بهترین مجموعه طرحهای آجرکاری در مسجد جامع اصفهان (دوره سلجوقی) قرار دارند. در اینجا نژیک صد طاق و قوس و هر کدام ترکیبیات و طرح های آجری مجزا دارند. در این مجموعه مانند مقبره اسماعیل سامانی اصول 'Form and function' پایه گذار معماری مدرن Sullivan پیش بینی شده . آجر هم ماده ساختمانی و هم ماده تزئینی است . یکی از شکل های رایج معماری ایرانی بنائی است مکعب شکل با گنبد رویش . فرم ساده و هندسی قوی ملهم از آتشکده که در مقبره شاه اسماعیل سامانی یا مسجد شیخ لطف الله در اصفهان دیده می شود. در این جا مشکل پیوستن زاویه نود درجه بنا و فرم منور گنبد یا نیم گنبد زمینه ای برای نوپردازی ایجاد می کند. چند زاویه متصل فیما بین تبدیل به چند صد زاویه می شوند و مقرنس کاری بوجود می آید. تکرار مکرر زوایا و سطوح بیننده را مانند ذکر صوفیان به دنیای والاتر می کشاند. بگفته يك نویسنده انگلیسی این مقرنس ها مانند " شعر معلق اند " (They are like brozen poetry)

۴- در معماری ایرانی نور و معانی عرفانی آن اهمیت بسزا دارد و این اصل در طرح ، نما و انتخاب رنگ ها نمایان است . در بناهایی مانند عالی قاپو و یا تخت جمشید سقف تالارها مرتفع است . ستونها ظریف و بلند و باریک اند یا فاصله زیاد فیما بین که باعث تابش نور و روشنائی بیشتر می گردد. این شیوه با شیوه مصری و با یونانی متفاوت است که ستونها بیشتر از حد لزوم ضخیم و نزدیک بهم اند و در نتیجه فضای داخلی تاریک است . در این جا هنرمند در تکاپوی تاریکی اسرارآمیز نیست بلکه پویای روشنائی و بینش است . این روشنائی و وضوح جزء مهمی است از هنر ایرانی و مرتبط به ادیان و فلسفه های آن سرزمین . در دیانت زرتشتی نیروی نور پیوسته به تاریکی چیره می گردد. در میترائیسم میترا بصورت جوانی سوار بر گرونده خورشید تجسم می شود، خدائی که مظهر روشنائی بود. نور و روحانیت در هنر و شعر ایرانی یکی است . در بین عرفا رمز فروغ خورشید، رمز اشراق یا تابش نور باعث کشف معرفت درونی میگردد و این بخصوص در افکار شیخ اشراق سهروردی مشهود است .

در میترائیسم که حتی چند قرن بعد از مسیحیت در اروپا نیز رواج داشته ستایش آفتاب بعنوان مظهر نور و ایزد در معابدی که بقایایشان از اطریش تا انگلیس موجود است مرسوم بوده . بطوریکه پاپ لئو در قرن پنجم گفته که مسیحیان به کلیسا میروند ولی بجای پرستش خدا به پرستش آفتاب می پردازند و به آن طرف عبادت می کنند. هنوز هم طرف Altar یا محراب طرف شرقی رودی و دربرویش طرف غربی west werk نامیده میشود در حالیکه جهت واقعی کلیساها شرقی غربی نیست .

اوج هنر و معماری مسیحی در دوره گوتیک است (قرون ۱۲-۱۴). مورخین درباره پیدایش سبک گوتیک اهمیت قوس گوشه دار را ذکر می کنند که از ایران و خاور نزدیک به اروپا برده شده . با استفاده از این

قوس می توان دیوارها را از حمل وزن رهایی داد، پنجره ایجاد کرد و وزن سقف را بوسیله ستونهای داخلی و خارجی (Flying Buttress) بر زمین آورد. اما چرا قبل از این قرن احتیاجی برای استفاده از این قوس که با آن آشنائی داشتند نمی دیدند.

میل استفاده از قوس گوشه دار ایدئولوژی جدیدی بود که طلب نورمیکرد زیرا آنرا مظهر اعتلاء روحانی محسوب میداشت.

خوشبختانه سبک گوتیک یگانه سبک معماری است که پایه گذارش شناخته شده است. او کسی بود بنام کشیش سوژر Abbe Suger که سمت وزارت نیز داشت و با بنای سن دنی S.DENIS شیوه معماری جدیدی بوجود آورد که به تمام اروپا سرایت نمود. سوژر نویسنده و شاعر و عارف بود و از او آثار و یادداشتهای زیادی بجا مانده. در آنها تم اصلی تم اعتلا ویرای او نور وسیله ای برای اعتلا روحانی است طبق گفتارش شیشه های رنگارنگ پنجره ها به نور فرم می دهند و این نور دنیای جسمانی را درخود حل میکند و ما را به دنیای والاتر می برد. سوژر به گفته خودش تحت تاثیر آثار فلوپلین PLOTINUS و DIONYSUS THE AROPEGITE قرار داشت و آنها بنویه خودملم از میترائیسم و بخصوص تئوریهای در باره نور بودند.

در بناهای ایرانی اشاره به نور و آسمان در نقشه، نما و رنگها و تزئینات مکرر است. در مساجد رنگهای اصلی کاشی ها و گنبدها و گلدسته ها آبی، زرد و طلایی، اشاره به نور و آسمان اند. می دانیم که حتی در دوره هخامنشی در تزئینات داخلی همین رنگها بفرم لاجورد، طلا و فیروزه مصرف میشده است. فرم های مکرر تزئینی تخت جمشید عبارتند از گل آفتاب گردان و گل لوتوس یا نیلوفر آبی. این گل ریشه اش در گل و لای و ساقه اش در آب است. هنگامیکه به آسمان و نور نظر می افکند بشکل گلی بسیار زیبا شکفته می شود. این سمبول قدیمی زندگی جسمانی و اعتلا بوده. در هنر هندو بسیار مهم است و در دوره هنر بودائی (در دوره پادشاه اشوکا قرن سوم قبل از میلاد) از آثار هخامنشی اقتباس می شود و جالب است که در زیباترین مشرق الذکار همزمان ما - اثر یک مهندس ایرانی - به حد کمال میرسد. (راجع به گل لوتوس و معانی آن در ادیان مسیحی و بودائی و هندو بحث مفصل است و این مقاله گنجایش آنرا ندارد)

در دوره اولیه مسیحی در قرن چهارم، هنگامیکه کنستانتین دیانت مسیحی را ابتدا قانونی و سپس دیانت رسمی امپراطوری اعلام کرد بفتناً برای برگزاری مراسم مذهبی که قبلاً در خفا انجام میگرفت احتیاج به فضاهای بزرگ و قابل توجه پیدا شد. چون کلیسا به هیچ وجه مایل نبود با سمبولیسم قبلی پاکانیست روم و یونان بیامیزد در مورد کلیسا سازی از بناهای غیر مذهبی رومی باسیلیکا (سالن اجتماعات) استفاده نمودند ولی با جهت شرقی - غربی میترائی. در مورد بیکره و ترسیم بجای سبک رئالیست رومی به سبک انتزاعی تر و غیرآشناتر ساسانی گرایش پیدا نمودند. آثار نفیس ساسانی از چند قرن پیش از این به غرب صادر می شدند. ظروف طلا و نقره، عاج، سکه ها و پارچه های الوان ساسانی گنجینه ای بودند که برای چندین قرن از آنها در هنرهای اولیه مسیحی استفاده شد و این حتی تا دوره رمانسک (قرن ۱۲ - ۱۰) ادامه داشت.

در تصاویر و حجاریهای این زمان معمولاً حضرت مسیح را در روز قیامت با تخت و تاج در بین چهار حواری (چهار حواری که چهار انجیل را نوشته اند: یوحنا، لوقا، مرقس و متی) نمایش می دهند. سمبول این چهار حواری عبارت از فرشته، عقاب، شیر و گاو بصورت بالدار اقتباس دقیقی است از آثار

ساسانی . همچنین پیکر حضرت مسیح با زانوان خم شده و شمشیر بدست عین اشکال پادشاهان ساسانی مانند شاپور اول است که در پارچه ها و سکه ها و ظروف گرانبهائی است که هنوز هم در موزه ها و کلیساهای اروپائی نگهداری می شود. (در مورد مجسمه کامل - مجسمه شیری که در میدان سن مارك و نیز قرار دارد مربوط به دوره ساسانی است که به نحوی به خاور نزدیک انتقال داده شده بود و جزء غنائم جنگی بود که در قرون وسطی صلیبیون به اروپا می آوردند.)

در طاق بستان در بین حجاری های بسیار زیبا شاهزاده ای سوار بر اسب با زره و کلاه خود دیده میشود که زوین بر دست دارد. این فرم در پارچه های ابریشم ساسانی که در اروپا خواهان زیاد داشت مکرر دیده میشود و مدل اصلی فرم دلاوران داستانهای قرون وسطی مانند داستان رولاند و پادشاه آرتور را تشکیل میدهد. همچنین فرم شاهزاده سوار بر اسب در حال شکار متنی است که از ژاپون تا چین و مصر و بیژانس و ایتالیا از آن اقتباس می شود.

بطور خلاصه باید گفت که هنر مسیحی نیز مانند هنر اسلامی از ابتدا بطرق مختلف مدیون هنر ایران بوده و این نفوذ دوباره در دوره رمانتیک و در قرون ۱۹ (گوگن : میناتور) و ۲۰ (ماتیز: مینیاتورهای ایرانی . پیکاسو: سفالهای املش) نمایان میگردد.

عمق و گسترش هنر ایران چنان است که از ماوراء قرون متمادی اثراتش هنوز در شرق و غرب باقی است . گویا شاعران و عارفان و هنرمندان آن سرزمین از قرون پیش بشارت به ظهور جمال مبارک داده اند و با آثار خود عطر و گل نثار نموده اند تا شاید زیانشان لایق بیان آثار مبارکه و هنرشان درخور ظهور امرالهی باشد.

یادداشت ها

۱- لوح مقصود

۲- ترجمه از Baha'i Writings on Music, P. 8-9

۳- ترجمه از THE CHOSEN HIGHWAY, P. 167

۴- این نمونه ها مربوط به دوره آشوکا اولین پادشاه بودائی است (قرن سوم قبل از میلاد) که بعنوان یادبود چند صد نقطه ای که در سراسر هندوستان استخوانهای بودا (برای تبرک نمودن تمام آن سرزمین) بخاک سپرده بودند چند صد ستون به شیوه ستونهای هخامنشی در تمامی هندوستان بنا کرد.

۵- تنها در دو قرن اول امپراطوری اسلامی در دوره امویان هنگامیکه پایتخت در دمشق (ماسونی قدیمی رومی و بیژانس) قرار داشت بالطبع نفوذ رومی و بیژانس در معماری اسلامی دیده میشود. چون اعراب سابقه یا میراث معماری نداشتند طبیعی است که از آثار موجود نور و برگاهی کپی می کردند و گاهی پس از خراب کردن ساختمانها از ستونها و سرستونهای کورنتین رومی دوباره استفاده میکردند. مهمترین بناهای دوره اموی مسجد دمشق و قبة الصخره در بیت المقدس می باشند . مسجد جامع دمشق بر اساس طرح کلیسای باسیلیک رومی بنا شده . اغلب ستونها متعلق به کلیسای سن ژان است که قبلاً در همان محل قرار داشت . جالب این است که آن کلیسا هم روی معبد قدیمی رومی ساخته شده بود . قبة الصخره با فرم مدور و ستونهای یک پارچه و دورنگ کورنتین اقتباسی است از کلیسای مزار مقدس حضرت مسیح (Holy Sepulchre) که در نزیک آن قرار دارد و در قرن چهارم میلادی بدستور هلنا مادر امپراطور کنستانتین بنا شده بود (این کلیسا بعداً در قرن ۱۲ به سبک مدرن تر گوتیک دوباره سازی شد) .